

مطالعه تطبیقی سبک سورئالیسم در آثار سالوادور دالی و ایران درودی و بکارگیری آن در طراحی لباس مفهومی

سیاوش افراشته^{1*}، لیلیا منوچهری¹، حبیب اله طیبی¹

¹دانشکده مهندسی نساجی و پوشاک، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، قائم شهر

Siavash.afraشته@gmail.com

چکیده

فرا واقع‌گرایی یا سورئالیسم یکی از جنبش‌های قرن بیستم است که در عمل با انتشار مجله انقلاب فرا واقع‌گرا توسط برتون آغاز شد. نقاشان و هنرمندان زیادی در این سبک کار کرده‌اند، که از جمله آنان می‌توان سالوادور دالی هنرمند اسپانیایی را نام برد. دالی را می‌توان سرچشمه الهام و منبع تغذیه رویاهای سورئالیست نامید. او در زمینه لباس مفهومی با طراح لباسی چون "الساشیاریلی" همکاری داشته است. آثار زیبا و ماندگاری را با هم خلق کردند. در حال حاضر نیز طراحان زیادی در زمینه مد مفهومی با الهام از آثار برجسته این هنرمند و هنرمندان سورئال دیگر، طرح‌هایی خلاقانه را ابداع می‌کنند. ایران درودی هنرمند سورئال ایرانی است که بیش از ۴۳ نمایشگاه از آثار خود را به دید عموم گذاشته است. در مقاله حاضر به آثار معروف این دو هنرمند پرداخته شده و همچنین به چگونگی استفاده از آثار هنرمندان سورئال در طراحی لباس مفهومی می‌پردازد. ضرورت بر انجام این پژوهش بکارگیری آثار هنرمندان سورئال ایرانی چون ایران درودی در طراحی لباس مفهومی - ست. روشهای انجام شده در این تحقیق توصیفی تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی است. در مقایسه تطبیقی بین آثار سالوادور دالی و ایران درودی می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مشخصه‌های آثار دالی استفاده از اشیاء بوده و در برخی از آثار او تکرار شده است. او در نقاشی‌های خود منطق و خرد، نظم طبیعی را رد می‌کند و کیفیت رویایی بودن و شیخ گونه را به آن القا می‌کند. دالی از آثار خود برای رساندن پیام‌های اجتماعی و سیاسی به بینندگان استفاده می‌کرد. در حالی که در آثار درودی فرم آثار به گونه‌ای نمایان شده که گویی کل جهان هستی همین است و سوژه در مرکز خودنمایی می‌کند. مرکزیت سوژه‌ها در عمل تلاقی آسمان و زمین رسم شده است. نور در نقاشی‌ها امکان امید است، که نقاش به آن چشم دوخته که در ذهن و روح بیننده حرکت می‌کند و در عمق جان او نفوذ می‌کند. همچنین وقتی صحبت از مد می‌شود، سورئالیسم نباید به طور کامل کنار گذاشته شود. سورئالیست‌ها با وجود تمام شهرت خود به عنوان یک جنبش مردانه، بدون شک برخی از تأثیرگذارترین افراد قرن بیستم بودند، هم به دلیل فلسفه و هم زیبایی‌شناسی متمایزشان. اما طراحان مد معاصر باید دقت بسیار بیشتری در مورد اینکه چه چیزی و چرا نقوش سورئالیستی را هدایت می‌کنند، بیان کنند. مد، مانند هر شکل هنری، خود را به بازمتن‌سازی مستمر می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: سورئالیسم، مد و لباس مفهومی، سالوادور دالی، ایران درودی، نقاشی

A comparative study of surrealism style in the works of Salvador Dali and Iran Droudy and its application in conceptual clothing design

Siavash afraشته^{1*}, Lila Manochehri¹, Habib-Allah Tayebi¹

¹Department of textile and Apparel Engineering, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran

Siavash.afraشته@gmail.com

Abstract

Surrealism is one of the movements, which in practice was initially published by Breton in the Journal of the Surrealist Revolution. Many painters and artists have practiced the style, including the Spanish artist, Salvador Dali. Salvador Dali is addressed as the source of inspiration for surrealist dreams. He had collaborated with costume designers such as Elsa Scipiarli to create prominent and perdurable conceptual works of art together. Currently, there are many designers in the field who are inspired by the outstanding works of this surreal artist as well as others who create outstanding designs. Iran Droudy is an Iranian surreal artist who has held more than 43 exhibitions of her designs worldwide. Here in this article, the works of these two known artists are studied and the ways to inspire the works of surreal artists in conceptual clothing design are discussed. The methods used in this research are descriptive-analytical and the library method was employed for data collection. In a comparative comparison between the works of Salvador Dali and Iran Daroudi, it can be concluded that one of the characteristics of Dali's works is the use of objects and it is repeated in some of his works. He rejects logic, wisdom and natural order in his paintings. It gives it a dreamy and ghostly quality. Dali used his works to convey social and political messages to viewers. While in Darudi's works, the form of the works is shown as if the whole universe is the same and the subject stands out in the center. The centrality of the subjects is drawn in the act of crossing heaven and earth. The light in the paintings is the possibility of hope, which the painter looks at, which moves in the viewer's mind and soul and penetrates deep into his soul. That's not to say that Surrealism should be shelved entirely when it comes to fashion. For all its reputation as a male-dominated movement, the Surrealists were undeniably some of the 20th century's most influential people, for both their philosophy and distinctive aesthetic. But contemporary fashion designers must express a much greater degree of precision as to what and why they are channeling Surrealist motifs. Fashion, like any art form, lends itself to continual recontextualisation.

Keywords: Surrealism, Conceptual Fashion and Dress, Salvador Dali, Iran Droudy, Painting

سبک در لغت به معنای روش، قاعده و شیوه است. سبک به

۱- مقدمه

دو صورت تعریف شده است: سبک ایستا؛ وقتی که فقط

خودش را مورد بررسی قرار میدهد و سبک پویا؛ وقتی سبکی را با سبک‌های دیگر می‌سنجیم و بررسی می‌کنیم. در واقع سبک یا جنبش هنری یک حرکت هنری است که تحت تاثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و عواملی دیگر شکل می‌گیرد. که برای مدتی باعث می‌شود گروهی از هنرمندان همفکر و همسو شوند. این جنبش‌ها با توجه به بنیادشان، در زمینه‌هایی که آنها را بوجود آوردند و توسعه دادند، می‌توانند گاهی کوتاه مدت و یا نسبتاً پایدار باشند. همچنین این جنبش‌های هنری در بعضی مواقع به دلیل جغرافیایی خاص آن منطقه تنها در یک رشته هنری رایج شود و یا به صورت فراگیر بخش زیادی از دنیای هنر را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد [۱].

در طول تاریخ سبک‌ها و مکتب‌های هنری زیادی به منظر ظهور رسیدند. سبک‌هایی چون رئالیسم^۱، سورئالیسم^۲، رمانتیسم^۳، امپرسیونیسم^۴، نئواکسپرسیونیسم^۵، مینیمالیسم^۶ و... که در آثار هنری چون مجسمه سازی، نقاشی، معماری و همچنین لباس تحت تاثیر این مکاتب قرار گرفتند. در قرون گذشته این هنرها وظیفه بازنمایی تصویر اجتماع را بر عهده داشتند. بنابراین چون لباس یکی از عناصر فرهنگی در اجتماع قلمداد می‌شد، در بسیاری از آثار هنرمندان مورد توجه قرار می‌گرفت. در این میان سبک سورئال، بیان احساس

واندیشه‌های خالص هنرمند را بدون هیچ زمینه فکری قبلی و یا وابستگی ذهنی و بدون ملاحظه اخلاق و همچنین بدون قواعد هنری، ادبی، زیباشناسی را نشان میداد و حالات مختلف ذهنی آدمی مانند رویا؛ خواب و کابوس ظهور می‌کند. در واقع این هنراز رویا سر چشمه می‌گیرد جداکردن دنیا درون از دنیای بیرون. درسبک سورئال؛ زمان و مکان مفهوم واقعی خود را ندارند و احساسات هنرمند در بند هیچ سنت قدیمی نیست و عنصر خیال مهم ترین عاملی است که در این هنر بکار میرود. هنرمند در واقع با خلق هنر خود بیننده را وارد ماورای دنیای واقعی خود میبرد. با نگاهی به هنرمندان سورئال و ارتباط آنها با طراحان مد و لباس سورئالیسم می‌توانیم تاثیرات دو جانبه ی هنرهای تجسمی و مفهومی در طراحی لباس را مشاهده کنیم [۲].

باتوجه به مدرن شدن جامعه طراحان و تولید کنندگان مد برای تولید لباس انسان مدرن، درصدد تولید لباس باتنوع زیاد شدند. آنها تولیدات خود را بر اساس دو اصل اساسی، مربوط به طراحی لباس که فیزیک بدن و نیازهای روانی- فیزیکی مصرف‌کننده می‌باشد، گذاشته‌اند [۳] همچنین طراحی در صنعت مد و لباس باید رابطی بین نیازمندیهای انسان، فرهنگ و اکولوژی باشد [۴]. در این راستا، پوشش و لباس بخش مهمی از هویت زندگی انسانها را تشکیل میدهد. نوع پوشش افراد، نه تنها بر احساس آنها تأثیر مهمی دارد، بلکه در اجتماع نیز به نوع نگرش افراد دیگر به شخصیت و منزلت اجتماعی افراد شکل میدهد. بنابراین سبک پوشش

¹Realism
²Surrealism
³Romanticism
⁴Impressionism
⁵Neo-Expressionism
⁶Minimalism

هر فرد باعث میشود که هویت شخصی خویش را به نمایش بگذارد [۵].

با مرور زمان و اهمیت بخشیدن به جنبه هنری لباس، ارزش لباس به عنوان یک اثر هنری به ظهور میرسد لباس می تواند به عنوان یک نماد فرهنگی و یا یک اثری که بیانگر فرهنگ و هویت یک شخص، یا یک جامعه باشد. در اینجا طراح از مد به عنوان یک هنر کاربردی می کند. امروزه انتقال هنر در لباس های مد روز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چرا که بسیاری از تولید کنندگان و طراحان مد از لباس نه فقط به عنوان یک شیء کاربردی، بلکه به عنوان یک اثر هنری گویا و دارای مفهوم استفاده می کنند [۳].

هدف از انجام این تحقیق مطالعه تطبیقی سبک سورئال در آثار هنرمندان سورئالی چون سالوادور دالی^۱ و ایران درودی هنرمند سورئالیست ایرانی ست. این مقاله به دنبال آن است که چگونه بواسطه نقاشی های سورئال در طراحی لباس مفهومی بهره برده شود.

۲- پیشینه تحقیق

در خصوص سبک شناسی و مکاتب مختلف آن پژوهش های گسترده ای صورت گرفته است. در این خصوص کتابی با عنوان آشنایی با مکتب سورئالیسم از محمدرضا خردمند که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده را می توان نام برد و همچنین مقالات متعددی در خصوص این اهم به چاپ رسیده است که با توجه به موضوع مورد پژوهش در این مقاله می توان مقاله

بررسی نقاشی سورئالیسم براساس نظریات زیگموند ازملیحه کشتگرو... که در سال ۱۳۹۵ انتشار یافت را نام برد. همچنین در خصوص آثار ایران درودی نقاش سورئالیسم ایرانی کتابهایی باعنوان قصه ی انسان و پیدایش در سال ۱۳۸۷ و چشم شنوا در سال ۱۳۸۳ و گفتگو با ایران درودی در سال ۱۳۹۷ و همچنین در فاصله دو نقطه در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده اند. که در مورد زندگینامه و همچنین آثار این هنرمند می پردازد و همچنین کتاب نقاشی و زندگی سالوادور دالی از هرمز ریاحی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. اما در خصوص تطبیق آثار این دو هنرمند سورئال، ایران درودی و سالوادور دالی و بکارگیری آن در طراحی لباس مفهومی پژوهشی انجام نشده است. از این رو پژوهش پیش رو به تطبیق آثار این دو هنرمند و به چگونه بکارگیری آن در طراحی لباس مفهومی پرداخته شده است.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- سورئالیسم

یکی از جنبش های قرن بیستم است که در فرانسه شکل گرفت. سورئالیسم به معنای گرایش ماوراء واقعیت ویا واقعیت برتر است. در سبک سورئال به ضمیر ناخود آگاه و همچنین صور پنهان در آن به گونه ای اصالت داده می شود، که بواسطه آن اثری خلق می شود که زائیده روح و روان هنرمند است.

^۱Salvador Dali

شکل ۲: تصویری سورئال از ذهن که بواسطه آن شخص به پرواز درآمده [۶]

سورئالیست‌ها معتقد بودند هنر در غیبت عقلانیت آفریده می‌شود و اثر هنری را درون و یا بر آمده از سروش غیبی می‌دانستند و الهامی را که از ضمیر ناخودآگاه می‌گیرند را باعث خلاقیت در آثار هنری میدانند [۷].

درواقع این مکتب بر سه اصل استوار است؛ هزل؛ رویا و تخیل؛ و دیوانگی ست. این هنرمندان معتقد بودند که هنرمند باید واقعیت‌های غریزی و رویایی خود را ترسیم کند و برخلاف هنرمندان سبک "کوبیسم" که فرم‌گرا بودند و یا هنرمندان "پوریسم" که به دقت‌های ریاضی و پیوستگی کامل میان اجزاء فرم دقت داشتند، به فرم و پیوستگی ریاضی اهمیت نمی‌دادند. آنها معتقد بودند که هنرمند مانند یک انسان گنگ باید در ضمیر ناخودآگاه ذهن خود تصاویری را که میبیند به ترسیم آن پردازد به صورتی که انگار این تصاویر از چشم یک شخص خواب زده دیده می‌شود. به همین جهت در آثار سورئال اشیاء به هیچ عنوان شبیه واقعیت نیستند و در رویا درهم آمیخته میشود. همین امر دلیل بر این شده است که طرفداران این سبک را "واقعیتی برتر از واقعیت" تعبیر کنند [۷].

۳-۲- نقاشان سورئال

سورئالیسم برجسته‌ترین و متفکرانه‌ترین تصاویر مربوط به قرن بیستم را بوجود آورد. ماندگارترین تصاویر سورئالیسم



شکل ۱: تصویری از طراحی سورئال از یک درخت [۶]

سورئالیسم به صورت جنبشی فلسفی آغاز شد، بر این باور که حقیقت از ذهن ناخودآگاه و رویا می‌گذرد و تفکر و منطق جایگاهی در آن ندارد. هنرمند سورئالیسم از ضمیر ناخودآگاه خود به عنوان ابزاری برای گشودن تخیل قفل شده بشر استفاده می‌کند. آنها عقل‌گرایی را باعث سرکوب تخیل‌گرایی میدانستند. در واقع اولین ویژگی این مکتب هنری که آن را از سایر جنبش‌های هنری مجزا میکند آن است که براساس تحقیقات روان‌شناسی و علمی شکل گرفته است و فروید برای اولین بار، با توجه به ضمیر ناخود آگاه لایه‌های پنهان روانشان که باعث خلاقیت در هنر بوده است به منظر ظهور رسید؛ که بسیار مورد توجه هنرمندان قرار گرفت [۶].



^۱Cubism
^۲Purism

مناظر عجیب سالوادور دالی است، اما او به هیچ وجه اولین هنرمندی نبود که به این سبک کار می‌کرد و نه بیشترین احترام را در محافل سورئالیسم داشت. نقاشان سورئالیسم هنرمندانی چون، "ژان آرپ؛ ماکس ارنست؛ آندره مارتن؛ رنه مارگریت؛ ایو تانگی؛ سالوادوردالی؛ پیر روی؛ پل دلووکس؛ جو آن میری" بوده اند [۸]

۳-۲-۱ - سالوادوردالی

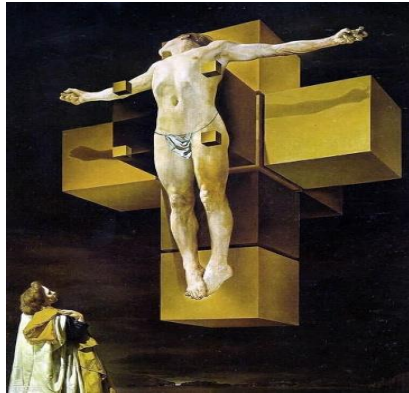
نقاشی اسپانیایی، کاتالونیایی و ذاتا فیلسوف بود. او عمری طولانی داشت و در دوره های زندگی خود در ضمیر ناخود آگاهش کنجکاو و کنکاش می‌کرد. او صور خیالی و الگوهای را مانند اسطوره نوین انسان آزاد بیدار می‌کرد تا به مفهوم نقاشی‌هایش پی ببرند. نبوغ نقاشی، طراحی، تصویرگری، عکاسی، مجسمه سازی، ساخت اشیاء غریب، نویسندگی، سینما، صحنه پردازی، باله و تئاتر، جواهرسازی، طراحی لباس، بروشورها و کاتالوگها، پوسترهای تبلیغاتی و حتی تزئین ویتترین مغازه ها تاواپسین دم حیات او را به خلاقیت و اختراع وا داشت. پیش از همه هنر، "هنرمند بودن و زیستن" و در واقع یک "انسان بازیگر" تمام عیار از آن او بود

او همچنین سرچشمه الهام و منبع تغذیه رویاهای سورئالیست ها به شمار می‌آمد. هر چند آندره برتون نظریه

پرداز و طراح این جریان بود، دالی را می توان "موتور تبدیل نظریه به هنر و سیاه مشق به نقاشی نامید. او در سال ۱۹۲۹ تحصیل در آکادمی هنر مادرید را نیمه کاره رها کرد و به سورئالیست‌ها در پاریس پیوست. ولی با وجود فعالیت درخشان در حدود یک دهه به دلیل اختلافات ایدئولوژیک، او بیگانگی با هنر و رفتار پیش بینی نشده از دارو دسته برتون جدا شد [۸].

او پس از جدایی از سورئالیست‌ها در سال ۱۹۳۴ به آمریکا سفر کرد و به دلیل جنگ جهانی دوم تصمیم گرفت همان‌جا بماند. او در آمریکا توانست تعدادی از تابلوهای خود را به برخی از موزه های معروف بفروشد. او در سال ۱۹۴۸ به اسپانیا برگشت و در این مدت به صحنه آرایی و طراحی لباس چند نمایشنامه از "شکسپیر و لاجینوویسکونتی" پرداخت [۹].

در طول سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ مذهب، علم و تاریخ جای بیشتری را در میان موضوعات آثار دالی اشغال کرد. او در این سال‌ها اثر معروف شام آخر را خلق کرد. از دهه ۱۹۵۰ کارهای اساسی وقف هنر مذهبی و ستایش از مسیح و عشاء ربانی بود. نمونه‌های بزرگ این آثار اکنون در موزه و گالری هنر شهر گلاسکو (به صلیب کشی)، واشینگتن دی سی (شام آخر) قرار دارد [۱۰].



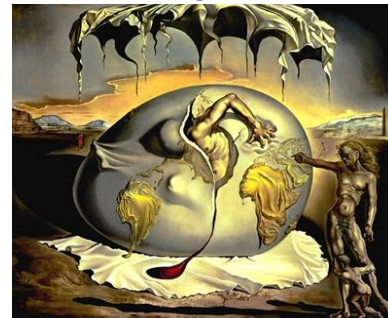
شکل ۴: تصویری از نقاشی مصلوب [۱۱]



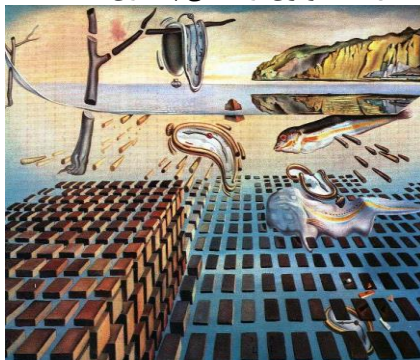
شکل ۳: تصویری از نقاشی فیل‌ها بازتاب قوها [۱۱]



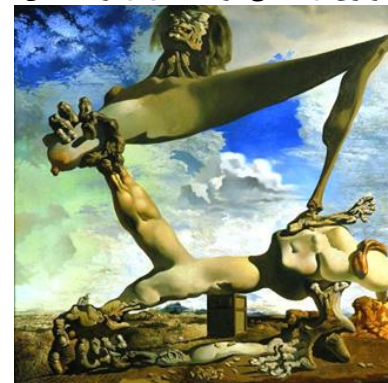
شکل ۶: تصویری از نقاشی پایداری حافظه [۱۱]



شکل ۵: تصویری از نقاشی کودک قبل از تولد انسان جدید [۱۱]



شکل ۸: تصویری از بین رفتن ماندگاری حافظه [۱۱]



شکل ۷: تصویری از ساخت و ساز با لوبیای پخته [۱۱]

جنسی، احساسات مرگ، اضطراب زمان و مکان می دانست. از آثار معروف او می توان زرافه در حال سوختن، از بین رفتن ماندگاری حافظه، پایداری حافظه، فیل‌ها و بازتاب قوها، مصلوب، ساخت و ساز با لوبیای پخته، کودک در حال تولد انسان جدید، شام آخر و... [۱۱].

سالوادور دالی به خاطر عجیب و غریب و خارق العاده بودن شهرت دارد، کاری که منعکس کننده شخصیت، سبک و دیدگاه اوست را خلق می‌کرد او اظهار داشت "لازم نیست مردم بفهمند من هستم یا نه، شوخی یا اینکه جدی هستم من خودم می دانم" او سه اصل اساسی از زندگی را غریزه

دادن یک بینش خاص، برای پیروی از بوهای خود شیفته متعددی که از هرکشوی بالا می‌رود، عمل میکند. تصویر در یک فضای گرگ و میش با آسمانی آبی عمیق تنظیم شده است. دو شکل زن در پیش زمینه وجود دارد با کشوهای بازی که در بالای بدن او مانند یک سینه بازی‌شود. همچنین چند کشو که بر روی پاهای او قرار دارد. هر دو آنها به صورت فانی نشان داده شده هستند. اشیائی به شکل عصا از پشت آنها بیرون زده است که به نظر میرسد ساعت‌هایی ذوب شده باشد که در نقاشی‌های دیگر دالی به چشم می‌خورد. دستها، بازوها، و صورت تا بافت عضلانی زیر پوست برداشته می‌شود. در شکل کوچکتر نوار گوشت در دست دارد. هر دو نوع انسان که مانند کشوها از زیر به سمت بالا دو برابر شده اند، نیز دو برابر شده و همچنین عصا مانند اشکالی که نمونه‌های اولیه در کار دالی هستند [۱۱].

۳-۲-۲ - ایران درودی

پدرش خراسانی بود و مادرش قفقازی تبار، خانواده پدری‌اش همگی بازرگان بودند. پدر و مادرش به همراه خانواده هایشان بعد از انقلاب اکتبر و تشکیل کشور شوروی از قفقاز به ایران مهاجرت کردند. ایران درودی در کودکی با خانواده به اروپا سفر کرد و از شهرهای مختلف اروپا دیدن کرد. وقتی جنگ جهانی دوم شروع شد خانواده او در هامبورگ زندگی می‌کرد و با شروع جنگ به ایران بازگشتند و مدتی در مشهد زندگی کردند و بعد به تهران آمدند و ساکن تهران شدند. درودی در حالی که در مدرسه درس می‌خواند به



شکل ۹: تصویری از زرافه در حال سوختن [۱۱]

دالی قبل از تبعید به ایالت متحده که از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۸ نقاشی زرافه در حال سوختن را کشید. اگر چه او خود را غیر سیاسی اعلام می‌کرد "من دالی هستم و فقط همین" این نقاشی نشان‌دهنده مبارزات شخصی او با جنگ در کشور خود است. در تصویر ۹ مشخصه کشوهای باز شده در شکل زن آبی است. که دالی از آن به عنوان "زن دم استخوانی" نام برده. این پدیده را می‌توان در روش روان تحلیلی زیگموند فروید جستجو کرد که بسیار مورد تحسین دالی است. وی را یک گام عظیم رو به جلو برای تمدن قلمداد کرد. "تنها تفاوت بین یونان جاودان و عصر ما در زیگموند فروید است، که کشف کرد بدن انسان، که در زمان یونان صرفاً نوافلاطونی بود، اکنون باکشوهای مخفی پر شده است تا از طریق روانکاوی باز شود. کشوهای باز شده در این شکل زنانه گویا به ناخودآگاه درونی؛ درون انسان اشاره دارد. به گفته خود دالی نقاشی‌های او نوعی تمثیل است که برای نشان

کتاب «در فاصله دو نقطه» به نویسندگی نیز روی آورده است [۱۲].

«اما من می دانم در این دیارگرچه بی چهره ام ولی بی هویت نیستم. روزی با پیرمغان درخوت خواهم نشست و رازی را که در این کتاب افشا نکرده ام را با او در میان خواهم گذاشت، رازی که شاید پیرمغان را تاب شنیدن آن نباشد. از آثار معروف او می توان: پایداری، عروسی جاودان، جاودانه خلیج فارس، واپسین گذرگاه، رگهای زمین رگهای ما، سنگ برگ، خاک، تلاش و... را نام برد [۱۳].

دلیل علاقه به نقاشی به کلاس های آزاد طراحی و نقاشی هم می رفت. بعد از پایان تحصیلات متوسطه راهی فرانسه شد تا در دانشکده هنرهای زیبای پاریس نقاشی بخواند. پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و در اردیبهشت ۱۳۳۹ آثارش در تالار فرهنگ تهران به نمایش گذاشته شد. در سال های دهه ۴۰ در شهرهای مختلف اروپا آثار خود را در گالری های مختلف به نمایش گذاشت و سپس به آمریکا رفت. ایران درودی تا کنون در بیش از ۴۳ نمایشگاه آثار خود را به دید عموم گذاشته است و با عمیقی نوشتن



شکل ۱۱: تصویری از نقاشی تلاش [۱۳]



شکل ۱۰: تصویری از نقاشی سنگ، برگ، خاک [۱۳]



شکل ۱۳: تصویری از نقاشی واپسین گذرگاه [۱۳]



شکل ۱۲: تصویری از نقاشی، این چهره من است من ایرانم [۱۳]



شکل ۱۵: تصویری از نقاشی، جاودانه خلیج فارس [۱۳]



شکل ۱۴: تصویری از نقاشی، پایداری [۱۳]



شکل ۱۷: تصویری از نقاشی، رگهای ما، رگهای زمین [۱۳]

نمی تواند جلو خونی را که در لوله ها می جوشد را بگیرد. در طرف دیگر تابلو، قلبی ست که رگه های خون آن، به لوله ها وصل می شود. آسمان، سیاه رنگ است. گویی شرمسار از تاراج رفتن نفت ایران، خاکستر شرم بر این رخداد دردناک می پاشد. در این تابلو همه جا را خون و آتش فراگرفته است. رنگ غالب سیاه و سرخ است. در این اثر نقاش رگهای

بریده را تصور کرده است که خورش بند نمی آید [۱۴]

۴- لباس مفهومی

لباس هنری یا هنر پوشیدنی شاخه‌هایی از طراحی لباس است که در سال‌های اخیر، بسیار مورد



شکل ۱۶: تصویری از نقاشی، عروسی جاودانه [۱۳]

ایران درودی در ۱۳۴۷ خورشیدی به سفارش شرکت آی. تی. تی که لوله کشی نفت آبادان به ماهشهر را به عهده داشت، تابلوی نفت ایران را کشید. تابلویی که تصویر آن با تیراژی چند میلیونی در مطبوعات مهم آمریکا از قبیل لایف، تایمز، نیوزویک و... به چاپ رسید. احمد شاملو نام رگهای زمین، رگهای ما را بر این شاهکار نهاد و در ۱۳۵۲ خورشیدی شعری برای او سرود که در سطور از آن می گوید در این تابلو درودی لوله های نفت را نشان داده است که به جای نفت خون در آنها جاری ست. انگار هیچ نیرویی

توجه قرار گرفته است. این عنوان به لباس‌هایی اغلب دستساز اشاره دارد که به عنوان هنر فاخر و در برخی مواقع، غیر کاربردی شناخته میشوند. هنگامی که ساخت هر بخشی از لباس یا سایر اشیای پوشیدنی با ملاحظات زیباییشناختی در ارتباط باشد و با بیان خاص، سعی در انتقال پیامی داشته باشد، این آثار به عنوان یک محصول ویژه مطرح می‌شوند [۲].

استفاده از هنر پوشیدنی در طول اعصار به یک روش غیر کلامی برای برقراری ارتباط یک انسان با جامعه تبدیل شد که امکان حضوری منحصربه‌فرد را به او میداد. هنر پوشیدنی با فرم‌ها، رسانه‌ها و عبارات متفاوت در مفهوم و سبک دیده می‌شود. ایده‌های مدرن در طراحی لباس هنری به شکلهای گوناگون ظهور می‌کند. گاه این لباس‌ها تنها به عنوان یک اثر هنری ساخته میشوند و جنبه کاربردی ندارند. این نوع آثار، ممکن است به‌فروش برسند اما اغلب اوقات، فقط برای نمایش دادن تولید میشوند. بیشتر لباس‌های هنری با الیاف یا مواد ترکیبی ساخته میشوند. استفاده از مواد و تکنیک‌های مختلف، مثل ابریشم، مخمل، چرم، فلز، پالستیک، بامبو، کوکزدن، رنگ‌کردن، ریخته‌گری فلزات، ساییدن، نقاشی پارچه و... از جمله

امکانات متنوع در بوجود آوردن این نوع لباس است. لباس هنری را می‌توان شاخه‌های از هنر مفهومی دانست [۲].

۴-۱- مد مفهومی

مد مفهومی، مقوله‌ای جدید در ادبیات دنیای مد به شمار می‌رود. مد مفهومی، به دنبال مفهوم است و تنها پوشش بخش یا کل اعضای بدن را ملاک عمل خود قرار نمی‌دهد. مد مفهومی، با فلسفه‌ای خاص شکل می‌گیرد و تلاش می‌کند تا با لباس و مد، سخن و نوع نگاه و حرفی را منتقل و القا کند. بلکه عمومی سازی یک جریان فکری و عقیدتی است که با جادوی مد، طراحان و تنوریسین‌ها به دنبال نهادینه کردن آن در جامعه هستند. در طرح مد مفهومی، طرح لباس‌هایی مد نظر است که هدف اصلی آن، پوشش کامل بدن نبوده و تلاش می‌شود تا نمایش احساسات، صفت‌ها و اندیشه‌های انسانی بارور شود. در واقع، لباس‌های مفهومی، اندام آدمی را به عنوان ابزاری برای انتقال یک نوع طرز تفکر و اندیشه یا صفت درونی او در نظر می‌گیرند و نه الزاما پوششی برای بخش یا کلی از جسم وی [۱۵ و ۱۶].

مد مفهومی^۱ رویکردی جدید به دنیای مد و لباس است. نگاهی که تلاش میکند تا جنبه‌هایی بیش از وضعیت ظاهری و طرح و رنگ و دوخت را در لباس‌های مردمان عصر هزاره سوم پر رنگ کند و لباس را که روزگاری یک نماد جریان ساز در قرن بیستم میلادی بود، دوباره به جایگاه

^۱ Conceptual Fashion

جریان ساز خود در قرن بیست و یکم بازگرداند. مد مفهومی را می‌توان رسانه‌ای خاموش دانست. رسانه‌ای که اهتمام جدی دارد تا سبک زندگی و پوشش خلاقانه‌ای را وارد استایل انسان‌های عصر دیجیتال کرده و با کمک فناوری‌های پوشیدنی، محصولی نوآورانه را در عرصه فشن در اختیار ساکنان دهکده جهانی قرار دهد [۱۶، ۱۵].

۴-۲- طراحی لباس مفهومی

اصطلاح لباس مفهومی^۱ طرح لباس‌هایی است که هدف اصلی آن پوشش بدن نیست، بلکه نمایش صفات یا احساس و یا اندیشه‌های انسان است. در حقیقت، لباس‌های مفهومی اندام انسان را ابزاری برای انتقال یک فکر و صفت درونی او می‌دانند و نه الزاما برای پوشش تمام یا بخشی از جسم او) که البته مهم‌ترین هدف از طراحی لباس است) و این دقیقا همان هدفی است که هنر مفهومی در پی آن است به این معنا که کنش هنرمند فقط پیش‌نیازی برای نشان دادن ماهیت اثر هنری و ایده اوست و هرگونه حاصل کار و یا جسمیت بخشیدن، تنها نمودی ابتدایی از یک نتیجه‌گیری کلی بوده که هنرمند بدان دست یافته است.

به این طریق طراحی لباس مفهومی وارد عرصه‌های هنر مفهومی می‌شود و شاید بتوان گفت روزگاری لباس مفهومی آن‌چنان گسترش یابد که به مفهوم لباس به رقابت برخیزد و جای وسیع‌تری را، به ویژه در نمایش‌های تئاتر و سینما به خود اختصاص دهد. امروزه بسیاری از طراحان توانای

لباس در عرصه هنر به دنبال این هستند که طراحی لباس را با تاثیر از دیگر هنرها و علوم و فنون و فرو رفتن در قالب سبک‌های رایج هنری انجام دهند و امکان پوشیدن لباس‌ها را طبق صفت‌ها، معنویات، احساسات، پدیده‌های روانی و تصورات ذهنی بشر فراهم سازند. همانطور که تابلوی نقاشی، احساسات خال آن را نمایان می‌سازد، در عرصه هنر طراحی لباس هم بدن حکم بوم نقاشی را پیدا می‌کند و وسیله‌ای می‌شود برای بیان احساسات و یا ذهنیات و مفاهیم درونی و روانی انسان، مانند خشم و شادی، خیر و شر، عشق و نفرت، آرزو و... بی شک، اگر لباس‌های مفهومی با هنرهای نظیر تئاتر و سینما همراه شوند، دگرگونی‌های عظیمی را در آینده در عرصه تئاتر، سینما و طراحی لباس به دنبال خواهد داشت [۱۶، ۱۵].

۵- بحث و بررسی یافته‌های تحقیق

۵-۱- مقایسه تطبیقی بین آثار سالوادوردالی و ایران درودی

یکی از مشخصه‌های آثار دالی استفاده از اشیاء بوده که در برخی از آثار او تکرار شده است. او در نقاشی‌های خود منطق و خرد و نظم طبیعی را رد می‌کند و کیفیت رویایی بودن و شیخ‌گونه را به آن القا می‌کند. دالی در نقاشی‌های خود درگیری‌های روانی و ترس‌های خود را به تصویر می‌کشد. او با قرار دادن اشیاء بدون ارتباط در محیطی که متعلق به آنها نبود، وحدت در بوم ایجاد کرد [۱۷].

^۱ - Dresses Conceptual

باتوجه به پیامهای کلامی و غیرکلامی در آثار دالی، هنرمند بیننده را به تعامل مفهومی دعوت می‌کند دالی از آثار خود برای رساندن پیام های اجتماعی و سیاسی به بینندگان استفاده می‌کرد. از جمله این نمادها می توان ذوب ساعت ها، حشراتی چون مورچه ها، پروانه ها و ملخ هاو.. در بعضی از آثارش دیده می‌شود. استفاده از پرتره خود در آثارش نیز مشهود است. او ترس‌های خود را در کارهایش نیز به تصویر می کشید [۱۷].

دالی طنز و شوخی را دست مایه کار خود قرار داد و از حالت‌های جدی و پر صلابت جلوه های زندگی در آثارش اثری نیست. در بسیاری از نقاشی‌های دالی تصویر زن را مشاهده می‌کنیم. به واسطه مکتب سورئالیسم که یک مکتب ضد زن به حساب می آید، در نقاشی‌های دالی فقط به خاطر میل جنسی مردان ارزش داده شده است. زنان به خاطر زیباییشان مورد ستایش قرار می گیرند نه عقلشان. در تصویرهای دالی از ملخ بسیار استفاده شده، ملخ نمایانگر مرگ توامان با لذت است. ملخ ماده نمونه‌ای از یک زن افسون‌گر است [۱۸].

در آثار درودی فرم آثار به گونه‌ای نمایان شده که گویی کل جهان هستی همین است و سوژه در مرکز خودنمایی می‌کند. مرکزیت سوژه ها در عمل تلاقی آسمان و زمین رسم شده است. نور در نقاشی‌ها امکان امید است، که نقاش به آن چشم دوخته که در ذهن و روح بیننده حرکت می‌کند و در عمق جان او نفوذ می‌کند. کاملا چشم بیننده در

نقاشی‌های درودی در حال حرکت است. در واقع حرکت یکی از خصوصیات بارز آثار او است. او نمی‌خواهد خود و مخاطبش سکون و مرگ را تجربه کنند؛ حتی در تابلوی واپسین گذرگاه. درودی از رنگ‌های تلفیقی و از سرد و گرم و دارای همنشینی استفاده می‌کند (مه و ازرو صلابت). مهرجاری در نقاشی‌ها از رنگ‌های لطیفی مثل سفید، کرم، آبی آسمانی، فیروزه ای، نارنجی، طوسی و... و مفهوم ساطع و صلابت از رنگ‌های تند و گرم که هم پویا هستند و هم محرک. هر جا که رنگی بر شدت خود افزوده آن اثر سخن می گوید، و وقتی که همه رنگ‌ها با هماهنگی یکدیگر از نسبتی متوازن برخوردار است. هیچ کلام و صدایی همانند صدای سکوت، اطمینان را منعکس نمی‌کند. سوژه گل در بیشتر نقاشی‌های این هنرمند، حس ظرافت و نرمی را به خود اختصاص داده است. و همچنین نشان‌دهنده قدرتمند بودن است که در سخت ترین شرایط روییده و سرزنده است. گل تمثیلی از زنانگی، جاودانه بودن و همچنین نویدبخش است [۲۱، ۲۰، ۱۹].

۵-۲- طراحی لباس مفهومی برمبنای سبک

سورئالیسم

همکاری پر بار السا شیاپارلی^۱ و سالوادور دالی در پاریس دهه ۱۹۳۰ برخی از با ارزش ترین لباس‌های مد قرن بیستم را تولید کرد. «لباس خرچنگ» شیاپارلی که در سال ۱۹۳۷ ساخته شد، ادای احترامی ماندگار به مشارکت هنری

^۱Elsa Schiaparelli

آنهاست. این شامل یک لباس شب ابریشمی سفید با کمر بند زرشکی است. این قطعه سخت پوست، خرچنگی بود که دالی روی دامن آن نقاشی کرده بود، سخت پوست برای نشان دادن اوج تمایلات جنسی بود. وضعیت نمادین این لباس زمانی مشخص شد که سیسیل بیتون کمی قبل از ازدواجش با ادوارد هشتم از والیس سیمپسون با این لباس در مجله وگ^۱ عکس گرفت .

وقتی صحبت از انتقال ایده ها از نقاشی به زمینه مد و طراحی لباس می‌شود، در خط اول باید به موفقیت های السا شیپارلی اشاره کرد. اولین زنی که به طرز ماهرانه ای این انتقال ایده ها را از هنر کلاسیک تا مد به کار گرفت. انتقال ایده ها از شیوه های مختلف تصویری در مد، با استفاده از استراتژی سورئالیسم در حل معضل "حجم - خط" موثر می‌باشد.

از دیگر طراحان مد پس از جنگ، مانند ایو سن لوران^۲، تری موگلر^۳، کریستین لاکروا^۴ نیز فوق العاده هستند. برای معضل خط- حجم راه حل هایی با الهام از دستاوردهای هنرمندان معاصر خود الهام گرفته اند^[۳].

مد بستری طبیعی برای نمایش عالی سورئالیسم بود. در آن زمان، قرار دادن کلاژ مانند تصاویر در زمینه های متفاوت، منعکس کننده تناقضات درون جامعه ای بود که به طور فزاینده ای آزاد شده بود. چه کسی دیگری یک خرچنگ را در یک عروسی سلطنتی قرار می داد؟^[۳]. از دیگر آثار مشترک این دو هنرمند را می توان کلاه کفش را نام برد که با الهام از عکسی از دالی که کفشی بر سر دارد طراحی شده است. "پیراهن اسکلتی" نیز از نتیجه تعاملات این دو خلق شد^[۲].



شکل ۱۹: تصویری از کلاه^[۲]



شکل ۱۸: تصویری از لباس شب زنانه خرچنگی^[۲]

^۳Yves Saint Laurent

^۴Terry Mugler

^۵Christian Lacroix

^۱Vogue

^۲fine-volume

جدول ۱: مقایسه آثار سالوادور دالی و ایران درودی-نگارندگان

ویژگی‌ها	آثار سالوادور دالی	آثار ایران درودی
رنگ‌ها	استفاده از رنگ‌های گرم برای سوژه تصویر به واسطه جلب توجه مخاطب. استفاده از سایه‌ها در پیش زمینه به رنگ‌های سرد، آبی کم رنگ (نشان‌دهنده زادگاه دالی)	استفاده از رنگ‌های لطیف برای نشان دادن مهر و رنگ‌های تیز و گرم برای نشان دادن صلابت.
تصویرانسان	در بیشتر تصاویر از پرتو خوداستفاده کرده و همچنین تصویر همسر خود. تصویرانسان در کارهای او به وضوح مشخص است.	فاقد تصویرانسانی
پرسپکتیو	رعایت شده	بیشتر و دقیق تر رعایت شده
مرگ	با استفاده از رنگ‌های سرد و همچنین اشیائی چون ساعت‌های نرم و مورچه‌های و مگس‌هایی در ساعت نشان میدهد. در جای دیگر بانشان دادن شاخه شکسته درخت زیتون (مرگ صلح)	با استفاده از رنگ‌ها به صورت متوازن و نسبی در تصویر و استفاده از رنگ سرد سکون و مرگ رانسان می دهد
تاکید	بر رساندن پیام و نشان دادن تاکید بر سوژه تصویر از رنگ گرم برای سوژه و رنگ سرد برای پیش زمینه	قرار دادن سوژه در مرکزیت اثر و تاکید بواسطه رنگ درخشان تر سوژه
تکرار	تکرار اشیاء و حشراتی چون ملخ، مورچه، ساعت، عصا؛ حیواناتی چون، فیل، و..	تکرار نور و همچنین گل. تصویری از کویر
اشیاء	استفاده از اشیاء بدون ارتباط با محیطی که در آن قرار گرفته اند و متعلق به آنهانیست، باعث وحدت در بوم	فاقد اشیاء
رساندن پیام	رساندن پیامهای اجتماعی و سیاسی	امید، جریان زندگی، سرسخت بودن
نمادها	ملخ: نشان‌دهنده زن افسونگر، مرگ همراه با لذت. تخم مرغ؛ تولد، آغازی جدید	گل؛ نشان‌دهنده زنانگی، جاودانه و نویدبخش
حرکت	رعایت شده	بیشتر رعایت شده



شکل ۲۰: تصویری از لباس اسکلتی [۲]

امروزه طراحان زیادی در زمینه مد مفهومی کار می کنند. آگاتا رزی دلپراد^۱ که مجموعه سورئالی را طراحی کرد. در لباس‌های طراحی شده با الهام از آثار هنرمندان معروفی همچون سالوادور دالی لباس الهام گرفته از نقاشی زرافه در حال سوختن سالوادور دالی، لباسی است به رنگ قرمز همراه با کشوهایی باز شده می باشد.

^۱Agatha Ruiz de la Prada

از نقاشی‌های دالی لباس‌هایی با سبک سورئال را به اجرا درآورد. یکی از طرح‌های او با الهام از نقاشی (زرافه در حال سوختن) است (شکل ۲۲) [۳].

داد. طرح‌های او به دنیای مدو شرکت‌های اصلی در سراسر کشور راه یافت و شاهکارهای او در گالری‌های سراسر اسپانیا به نمایش گذاشته شد. او در مجموعه سورئال خود با الهام



شکل ۲۲: تصویری از لباس طراحی شده با الهام از نقاشی زرافه در حال سوختن [۳]

لباس نمادین موندریال در سال ۱۹۶۵، او را به یک پیشگام انقلابی در ترکیب هنر پاپ و لباس تبدیل کرد. این لباس پیچیده، از نقاشی موندریال الهام گرفته شده است [۲۲].

طراح فرانسوی ایوسن لوران شیفته هنر بود و همیشه سعی می‌کرد این اشتیاق را به آثار خود منتقل کند. یکی از آنها



شکل ۲۴: نقاشی موندریال [۲۲]



شکل ۲۳: لباس طراحی شده توسط ایوسن لوران [۲۲]

ویکتور و رولف طراحان^۲ سورئال مجموعه ای از لباس‌ها یاغراق آمیز با الهام از آثار کوئیسم پیکاسو اما تک رنگ طراحی کردند. مثل همیشه این دو هلندی همه را شگفت زده کردند و برخی از مدلها صورت خود را کاملاً با لباس‌های مجسمه سازی خود پوشانده بودند [۲۲].

با توجه به مطالب بالا به نظر می رسد که سبک سورئالیسم با ویژگی های مفهومی و فرمی مرتبط است و بر طراحی مد و لباس تاثیرگذار بوده است. سورئالیسم موجب تغییرات اساسی در فرم طراحی لباس شده است. تغییر در برش ها و پارچه‌ها و تغییر در رنگ و الحاقات نامتعارف به لباس، تداعی رویاگونه در لباس و در نهایت دگرگونی فرم و ظاهر لباس گردیده است.

خواهران کیت ولورا، مولوی به عنوان جسورترین و آوانگارد ترین ذهنها شناخته می‌شوند. آنها باکاوش در تاریخ هنر به خلق لباس‌های بدیع و بی‌سابقه دست می زنند. شرکت رودارته به وسیله این دو خلاق لباس افسانه ای که نقاشی ون گوگ (شب پرستاره) و (گل‌های آفتاب گردان) را تداعی می‌کند، سالن نمایش خود را به موزه ای معتبر تبدیل کرد (شکل ۲۵) [۲۳]. سارا برتون، طراح خانه مد الکساندر مک کوئین^۱، از گوستا و کلیمت نقاش اتریشی الهام گرفت و او را زنده کرد تا نقاشی‌هایش را بیوشد. نقاشی (بوسه)، (امید) و (پرتره امیلی فلوژ) در لباس‌های فانتزی مجموعه تفریحی الکساندر مک کوئین (۲۰۱۳) به زندگی بازگشتند [۲۲].



شکل ۲۵: لباس با الهام از نقاشی ونگوگ شب پرستاره و گل‌های آفتابگردان [۲۲]

^۲Victor and Rolf

^۱Alexander McQueen



شکل ۲۷: لباس طراحی شده بالهام از نقاشی بوسه و امید [۲۲]



شکل ۲۶: لباس طراحی شده بالهام از پرتره امیلی فلوژ [۲۲]



شکل ۲۸: طراحی لباس بالهام از نقاشی پیکاسو با طراحی ویکتور وولف [۲۲]

طراحی لباس و صحنه های فیلم را عهده دار بود. در این فیلم، داستانی تخیلی با مضامینی نا متجانس با هم، به وقوع می پیوندد و این در حالی است که شخصیت های داستان و لباس هایشان، کاملاً رئالیستی می باشند. اما در فیلم هایی با مضامین و شخصیت های "سورئالیستی" می توان البسه هایی با خیالات خارق العاده و بی قید و شرط را مشاهده کرد. از جمله ی این فیلم ها که در ذهن مخاطبان خود ماندگار شدند، می توان به برخی فیلم های گروه کودک و نوجوان و بزرگسالان همچون: "آلیس در سرزمین عجایب"

۵-۳- طراحی لباس سورئالیستی در سینمای جهان

در فیلم های سینمایی با مضامین "سورئالیستی"، قوی ترین بُعد آن، داستان ماورایی اش می باشد. حال لباس به عنوان رکنی از ارکان یک فیلم می تواند به طبع داستان، متأثر بوده، تغییر کند یا نکند. هنرمند آغازگر این سبک در طراحی لباس صحنه ی نمایش، "سالوادر دالی"، هنرمند جامع الابعادی بود که در سال ۱۹۲۸ میلادی به همراه "لوئیس بونوئل"، شاخص ترین فیلم سورئالیستی یعنی "سگ آندلسی" را ساخت. "دالی" در این فیلم، خودش

ی هنری فیلم های سینمایی جهان) گردیده اند که در شکل ۲۹ تصاویری از طراحی لباس شخصیت های فیلم که براساس سورئال طراحی شده اند، ارائه گردیده است. [۲۳].

۲۰۰۹ میلادی)، "جادوگر شهر آژ" (۱۹۳۹ میلادی)، "پلکان ماریج" (۱۹۸۶ میلادی) و "آنا کارنینا" (۲۰۱۲ میلادی) اشاره کرد. لازم به توضیح است که غالب این فیلم ها برنده ی جایزه ی جهانی ویژه ی "اسکار لباس" (ممتاز ترین درجه



شکل ۲۹: طراحی لباس شخصیت های فیلم آلیس در سرزمین عجایب، کارگردان تیم برتون [۲۳]

سوختن است و در عین حال از طریق لوله هایی به خانه هایی هدایت می شود. در طراحی این لباس مفهومی با توجه به رنگ های به کار رفته در تابلو نقاشی از رنگ های سیاه، سفید، قرمز و همچنین پارچه هایی که به صورت ابر و بادی و سایه روشن رنگ شده، استفاده شده است. که در واقع نمایان گر دودی است که در نقاشی دیده می شود و همچنین گل سرخی که در مرکز لباس قرار دارد، نشان دهنده همان قلب تپنده زمین است.

۶- طراحی لباس سورئال

در شکل ۳۰ تصویری از لباس طراحی شده با الهام از نقاشی نفت) که بعدها شاملو آن را رگهای زمین رگهای ما، نام گذاری کرد. (از ایران درودی هنرمند سورئال ایرانی (این اثر را هنرمند به سفارش شرکت لوله کشی نفت اجرا کرده است). در این اثر هنرمند نفت رابه صورت رگهایی که از زمین بیرون میزند را که در واقع قلب تپنده زمین است را با ظرافت خاصی از موضوع به تصویر می کشد، که در حال

گل یکی از نمادهای بکار رفته در اکثر نقاشی‌های ایران درودی است که نشان‌دهنده زنانگی، جاودانگی و نوید بخش است. به همین دلیل در طراحی این لباس برای نشان دادن قلب زمین از نماد گل استفاده شده است. در پایین لباس طرح خانه‌هایی کشیده شده است که توسط رگ‌هایی که از گل سرچشمه می‌گیرند سیراب می‌شوند.

شکل ۳۱ تصویر طراحی انجام شده با الهام از نقاشی عروسی جاویدان (شکل ۱۶) است. این نقاشی را ایران درودی بعد از فوت همسر خود کشیده است. به گفته او (درد به سکوت آمد، فریادم صدا نداشت. مردمک چشمانم، به اعماق خاک رفت تا بستر او را آماده کنم. سوختم و ذوب شدم). به تفسیر خودش لباس عروسی را از ریزش یخهای آب شده بر زمین گسترانده است [۲۱].



شکل ۳۰: تصویری از طراحی لباس مفهومی بر اساس نقاشی رگهای ما، رگهای زمین - نگارندگان

در این طراحی از رنگ‌های بکار رفته در نقاشی استفاده شده است. همچنین از فرم سنگ‌های مزار در تصویر برای فرم لباس استفاده شده است. استفاده از تور بلند در تصویر اشاره دارد به دامن عروسی که هنرمند به تصویر کشیده است. نور بالای تصویر نشان‌دهنده عروج است، که در طراحی این

شکل ۳۱: تصویری از لباس طراحی شده با الهام از نقاشی عروسی جاویدان - نگارندگان

لباس در بالا تنه لباس با رنگ سفید درخشان نشان داده شده است

۷- نتیجه گیری

در مقایسه تطبیقی بین آثار سالوادور دالی و ایران درودی می‌توان به این نتیجه رسید که یکی از مشخصه‌های آثار

دالی استفاده از اشیاء بوده و در برخی از آثار او تکرار شده است. او در نقاشی‌های خود منطق و خرد و نظم طبیعی را رد می‌کند و کیفیت رویایی بودن و شبیح گونه را به آن القا می‌کند. دالی از آثار خود برای رساندن پیام‌های اجتماعی و سیاسی به بینندگان استفاده می‌کرد. از جمله این نمادها می‌توان ذوب ساعت‌ها، حشراتی چون مورچه‌ها، پروانه‌ها و ملخ‌ها. در بعضی از آثارش دیده می‌شود. استفاده از پرتره خود در آثارش نیز مشهود است. او ترس‌های خود را در کارهایش نیز به تصویر می‌کشید. دالی طنز و شوخی را دست‌مایه کار خود قرار داد و از حالت‌های جدی و پرصلابت جلوه‌های زندگی در آثارش اثری نیست. همچنین امروزه طراحان زیادی در زمینه مد مفهومی کار می‌کنند. لباس‌های طراحی شده با الهام از آثار هنرمندان معروفی همچون سالوادور دالی، پیکاسو و ون‌گوک، لباس الهام گرفته از نقاشی زرافه در حال سوختن سالوادور دالی، لباسی است به رنگ قرمز همراه با کوشه‌هایی باز شده می‌باشد. طراحان لباس معروفی همچون آگاتا رزی دل‌پردا، ایوا سن لورن، الکساندر مک کوئین، ویکتور و رولف به طراحی لباس مفهومی با الهام از آثار نقاشان مطرح پرداخته‌اند که در دنیای و نمایش مد به چشم می‌خورد.

در آثار درودی فرم آثار به گونه‌ای نمایان شده که گویی کل جهان هستی همین است و سوژه در مرکز خود نمایی می‌کند. مرکزیت سوژه‌ها در عمل تلاقی آسمان و زمین رسم

شده است. نور در نقاشی‌ها امکان امید است، که نقاش به آن چشم دوخته که در ذهن و روح بیننده حرکت می‌کند و در عمق جان او نفوذ می‌کند. کاملاً چشم بیننده در نقاشی‌های درودی در حال حرکت است. در واقع حرکت یکی از خصوصیات بارز آثار اوست. او نمی‌خواهد خود و مخاطبش سکون و مرگ را تجربه کنند؛ هیچ کلام و صدایی همانند صدای سکوت، اطمینان را منعکس نمی‌کند. سوژه گل در بیشتر نقاشی‌های این هنرمند، حس ظرافت و نرمی را به خود اختصاص داده است. همچنین نشان‌دهنده قدرتمند بودن است که در سخت‌ترین شرایط روییده و سرزنده است. گل تمثیلی از زنانگی، جاودانه بودن و همچنین نویدبخش است.

همچنین وقتی صحبت از مد می‌شود، سورئالیسم نباید به طور کامل کنار گذاشته شود. سورئالیست‌ها با وجود تمام شهرت خود به عنوان یک جنبش مردانه، بدون شک برخی از تأثیرگذارترین افراد قرن بیستم بودند، هم به دلیل فلسفه و هم زیبایی‌شناسی متمایزشان. اما طراحان مد معاصر باید دقت بسیار بیشتری در مورد اینکه چه چیزی و چرا نقوش سورئالیستی را هدایت می‌کنند، بیان کنند. مد، مانند هر شکل هنری، خود را به بازمتن‌سازی مستمر می‌دهد. براون و مک کوئین از طراحان معروف باید قبل از اینکه طرح‌هایشان به صحنه بیاید، هر نشانه‌ای از زن‌ستیزی سورئالیستی را با یک به‌روزرسانی مدرن، حذف می‌کردند.

۸-مراجع

- [۱] پاکباز ر.، دایره المعارف هنر، موسسه فرهنگ معاصر، تهران، ویراست جدید، ۱۳۸۷
- [۲] عابدینی راد ش.، مد و لباس در قلمرو هنر مفهومی، موسسه فرهنگی پژوهشی تهران، چاپ و نشر نظر، ۱۳۹۹
- [3] Marija kertakova M, the influence of ideas of surrealism in fashion design, tekstilna industriji, january 2019.
- [۴] محمدی و.، اکرامی ا.، محمدی ح.، خجسته فر ز.، شناسایی عوامل موثر بر صنعت مد و لباس با رویکرد پایداری محیط زیست، مجله علمی - علوم و فناوری نساجی و پوشاک، دوره جدید، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۹.
- [۵] محمودی پندری م.، کنجاو منفرد ا.، تأثیر خودبینی مصرفکننده بر اطمینان به سبک پوشش در صنعت پوشاک، مجله علمی علوم و فناوری نساجی و پوشاک - دوره ۱۱ شماره ۱- شماره پیاپی ۴۱- بهار ۱۴۰۱.
- [۶] کشتگر م.، سالاری م.، عتیقه چی ا.، رسولی ح.، بررسی نقاشی سورئالیسم براساس نظریات زیگموند فروید، هفتمین کنفرانس بین المللی اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی رشت، ۱۳۹۵
- [۷] خردمند م.، آشنایی بامکتب سورئالیسم، انتشارات قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۹۹
- ریاحی ه.، نقاشی و زندگی سالوادور دالی، موسسه فرهنگی پژوهش تهران. چاپ و نشر نظر، ۱۳۹۰. [۸]
- [۹] بدری م.، صورت خیال: دالی ۲۰۰۴) به انگیزه یکصدمین سال تولد دالی)، نشریه مهر(فرهنگی، هنری، اجتماعی)، شماره ۲۱، ۱۳۸۲.
- [۱۰] شاکری س. ف.، (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی سه تابلوی شام آخر اثر لئوناردو داوینچی، سالوادور دالی، وسیمون پترسون از منظر نمادشناسی مذهبی، مجله کیمیای هنر، شماره ۵، ۱۳۹۱
- [11] <https://www.honarist.com/18/10/2022/salvador-dali/>
- [۱۲] زندگینامه: ایران درودی (۱۳۱۵-۱۴۰۰)، روزنامه آنلاین همشهری ۱۴۰۰
- [۱۳] درودی ا.، چشم شنوا (آثار نقاشی) ناشر: مؤلف، ۲۰۰۴
- [۱۴] مظفری ساوجی م.، گفتگو با ایران درودی، تهران. نشر ثالث، ۱۳
- لباس- <https://www.rooziato.com/1396104453/> [15]
- 15/10/2022. /مفهومی
- [۱۶] مجلسی م.، خشنویسان ب.، هنر مفهومی در طراحی لباس، مجله جلوه هنر، دوره جدید، شماره ۱، ص ۵۷-۶۴، ۱۳۸۸
- [۱۷] بیوگرافی و بررسی آثار سالوادور دالی، آکادمی جهانی علوم، مهندسی و فناوری، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۵، ۲۰۲۱.
- [۱۸] حسین پور م.، دلاوریان ه.، نمادشناسی آثار سورئالیستی از منظر فمینیستی با تمرکز بر آثار سالوادور دالی، همایش ملی جلوه های هنر ایرانی اسلامی در فرهنگ، علوم و اسناد، دانشکده هنر و معماری دانشگاه گیلان، ۱۳۹۷.
- [19] Pine J, New Skin, a New Land!: Dali's American Metamorphosis, Carleton University, 2008.
- [۲۰] شفیع ک.، زندگی نامه سالوادور دالی، نشریه کلک. شماره ۲۴ پیاپی ۱۴۴، ۱۳۸۲
- [۲۱] درودی ا.، در فاصله دو نقطه، تهران. نشر نی، ۱۳۸۱
- [22] Eireos Curras Marta, Art- Inspired Designs: When Fashion and Classic Paintings Marge in Catwalk- Mess Magazine, october 2019.
- [۲۳] شهرام فر ف.، بازخوانی بر ساختار سبک سورئالیسم در طراحی لباس سینمای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ۱۳۹۳.